

۱۳۹۲۸۸۶ - ۲۰۲۰

به نام آفریدگار تبسم

جهرم با نسیم مهر

و

عشق پدرم به این سرزمین

نویسنده: تابند شاهنده



انتشارات تبسم

انتشارات تبسم

سرشناسه : شاهنده، تابنده
 عنوان و نام پدیدآور : جهرم با نسیم مهر و عشق پدرم به این سرزمین
 مشخصات نشر : تهران، تبسم، ۱۳۹۵
 مشخصات ظاهری : ۱۶۰ ص
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۳۷-۲۴-۳
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 مؤلف : جهرم
 موضوع : جهرم-آداب و رسوم و زندگی اجتماعی
 رده‌بندی کنگره : DSR ۲۰۸۱/۵۵۲ ش ۲ ۱۳۹۴
 رده‌بندی دی‌سی : ۹۵۵/۶۳۴۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۱۶۷۵۱



نشر تبسم

جهرم با نسیم مهر (و عشق پدرم به این سرزمین)

نویسنده: تابنده شاهنده

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰ جلد ویرایش: هستی جراحی

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان همیاران: مهندس محسن وکیل پور و هم نوشتن افشار

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۳۷-۲۴-۳

آدرس انتشارات: بالاتر از میدان سپاه، ورودی محلی سرباز، کوچه شهیدین، پست

اول، پلاک ۱

فهرست مطالب

مقدمه

آنچه از زمان کودکی در زادگاه اجدادی به خاطرمانده است

ادات و روش زندگی مردم جهرم در قدیم

دردی به یادماندنی و عشق او به جهرم

نمونه کارهای پسر و خدماتش

قدردانی بزرگان جهرم در پدر

صفحاتی از روزنامه حبیب المبین که در آن از خدمات و علاقه‌ی

پدر به جهرم ذکر شده است. "در ضمن این صفحات روزنامه، در مجتمع

قضایی جمهوری اسلامی ایران (دادستان) با مهر رسمی کیبی برابر با اصل شده

است"

چند عکس خاطراتی

ضرب المثل‌های عامیانه در آن زمان

عکس از چاه‌های قدیمی و نخل‌های جهرم



مقدمه

به نام آفریدگار مهربان

جهرم، شهری است غنی با محصولات کشاورزی و مردمانی اهل علم، هنر و ادب، ایثارگر و مهربان، قانع و بسیار صبور که هر یک به نوبه خود نقشی بسزا در گسترش و توسعه‌ی فرهنگ و ادب این مرز و بوم داشته‌اند و این پهنه دشت زیبا را به یک شاهمانده‌اند. با وجود امکانات کمی که در نمایان ساختن هنر و استعدادهای نهفته خود داشتند، با یاری آفریدگار مهربان، می‌توانستند سختی‌ها را پشت سر نهاده و با عزم و اراده‌ای راسخ بر آب‌انی سرز و بوم مهرپرور خویش تلاش کنند. ادیبان و اهل قلم جهرم، توانسته‌اند در مورد موقعیت جغرافیایی و آب و هوای جهرم، نایستگی‌ی جمعی مردم این شهرستان و معرفی بزرگان جهرم، از اثر آفرینان آن گرفته تا هنرمندان، آدبا و شعرا همتی والا بسج داده کتبی چند از خود به یادگار بگذارند.

این بزرگان، از مردم ساعی و قانعی که با وجود باطنی‌ی کم و خشک سالی توانسته‌اند در اطراف شهر خود آثار و مرکبات را بعمل آورده و هکتارها باغ و نخلستان مرغوب بار بنشانند، در آثار خویش از آنان یاد نموده‌اند.

"قدردانی، سپاس و احترام؛ شایسته‌ی تمام آن بزرگواران می‌باشد."

پدرم به دلیل علاقه وافری که به زادگاه خود داشت معتقد بود که طعم و خاصیت لیمو و خرمای جهرم با مکانهای دیگری که این محصولات را به بار می‌آورند بسیار متفاوت است. او روی بسته‌های خرما و رطب صادراتی خود این بیت را که سروده خودش بود می‌نوشت:

«این رطب کز شهد آن خون در دل شکر بُود
از نخیل جهرم و باغ "علی اکبر" بُود»

مردم این سرزمین در تمام دوره‌ها؛ به دلیل مراقبت از این محصولات در برابر سرمازدگی و مشقات دیگر که تا به بار نشستن محصول پیش می‌آمد، بسیار صبور و زحمتکش بار آمده‌اند. آنها وقتی نخلی را در باغچه و یا باغ خود می‌کارند به امید به ثمر نشستن آن ساله‌ی زیاده‌سیر و تحمل به خرج می‌دهند. گاه اتفاق می‌افتد که خشکسالی و سوز و سرمای زمستان خسارات زیادی به درختان وارد می‌کند و بیشتر آنها را از بین می‌برد. اما این مردمان از پای نمی‌افتند، با بار غم حاصل از سرمازدگی و سوختگی درختان، دوباره آنها را آباد می‌سازند.

احساس مهر و دلبستگی‌ام به این مرز و بوم که آن را میراث عاطفی پدر می‌دانم، پدری که شعارش خدمت به خلق





و فراموش نکردن موطن آبا و اجدادی خود بود، چنان در روح و روانم نقش بسته است که در سراسر خدمت فرهنگی‌ام؛ هر کجا نامی از جهرم و جهرمی شنیدم در انجام هر خدمتی که از دستم برمی‌آمد کوتاهی نکردم. اما با وجود تمام تلاشم هرگز نتوانستم چون پدر باشم و برای توسعه و آبادانی وطن کاری انجام دهم.

اکنون بر آن شدم تا حداقل احساسم را به آب و خاک و مردم پاک سرشت، زحمتکش و مهربان جهرم ابراز دارم و در برابر امت "استعدادهای علمی، هنری، ادبی و کوششهای بی‌دریغ آنان در جهت معرفی این مرز و بوم سرتعظیم فرود آورم.

همچنین بر آن شدم تا مهر و علاقه پدر عزیزم به زادگاهش جهرم و مردمان زلال و پاکش را بیان داشته و به گوشه‌ای از خدماتش به این سرزمین استانی داشته باشم. قریب به نیم قرن است که از سفر روی پدرم به سوی معبود هستی‌بخش گذشته و جسمش در دل خاک و موطن محبوبش آرامیده است.

قبل از این هم بزرگانی همچون "محمد دریا شاد" در کتاب "بزرگان جهرم"، زنده‌یاد "جلال طوفان" در کتاب "شهرستان جهرم" و "عبدالحسین و مجید رضا جهان مهر" در کتاب "اثرافرینان جهرم" حق مطلب را درباره پدرم و سایر بزرگان جهرم ادا نموده‌اند.

اینک برای آنانکه که در قید حیات اند آرزوی موفقیت دارم و یادِ درگذشتگان را گرامی می‌دارم. همچنین برای آقای "محسن تابش" که در برپایی کتابخانه ملی جهرم با تمامی سختی‌ها و مشکلاتش کوشا و مقاوم هستند، سپاس خود را ابراز می‌دارم.

باشد تا اندکی دین خود را به پدر عزیزم که آرزوهای بزرگی در سر داشت ادا نموده و سربلندی مردم مهربان، برکت و سرسبزی این دیار را از درگاه ایزد متعال خواستار شوم.

می‌دانم این نوشته‌ها به دلیل بیان احساسات صادقانه و به روز بودن دانش نوشتاری‌ام خالی از اشتباه نخواهند بود. صمیمانه نوای تارم؛ با بزرگواری بر اشتباهاتم قلم عفو کشیده شود.

تابنده شاهنده

تابستان ۱۳۷۸

